

برچیدن تبعیض جنسی در گروهی براندازی نظام سرمایه داری

در سایت "شبکه سراسری همکاری زنان ایرانی" مقاله ای از خانم شادی امین که از فمینیست های برجسته ایرانی می باشند، گذاشته شده تحت عنوان "احمدی نژاد" درهای ورزشگاه ها را به روی "زنان" گشود / شادی امین"^۱. من شخصاً نسبت به میزان دانش و اطلاعات دقیق خانم امین شکی ندارم و از سبک نگارش و استدلال ایشان بسیار لذت می برم. لذا در جوی کاملاً دوستانه می خواهم به نکاتی از بحث نگاهی رفیقانه بیندازم. باشد که این برخورد زمینه ساز بحث های مثبت و سازنده بعدی گردد.

ایشان در این مقاله با تکیه ی مختصر اما مفیدی بر کلیه ی مطالبات دموکراتیک زنان و حتی سایر اقشار تحت ستم لیست جالبی از این مطالبات را برشمرده اند و در مورد هر یک به درستی اشاره کرده اند که رسیدن به مطالبه مذکور در درون حکومت موجود عملی نیست.

در بخش آخر مطالبات برشمرده شده آمده است: "پایان دادن به ستم و استثمار زنان و کودکان در کارگاه های قالی بافی و کوره پزخانه ها و

^۱. <http://www.shabakeh.de/archives/individual/۰۰۰۸۷۳.html#more>

کارخانه ها در نظامی که اساسش بر رنت خواری و سود بری مثنوی سرمایه دار مکتبی بنا شده است امری است محال.

پایان دادن به قتل های ناموسی، ... جنایات متعدد بر زنان ... رفع موانع حضور زنان در تمامی عرصه ها، ... کسب آزادی های سیاسی، آزادی بیان، اجتماعات و حق تشکل و اعتصاب و اعتراض، لغو حکم اعدام و دیگر مجازات های وحشیانه جاری چون سنگسار، شلاق، قطع اعضای بدن و ... و در یک کلام پایان دادن به مصائب بی شمار کنونی تنها با رفتن این رژیم به عنوان مانعی اساسی برای هر تحول جدی در ایران ممکن است."

تا این جا من کاملاً با نظر ایشان هم عقیده هستم. اشکال اما از این جا آغاز می شود که خانم امین دقیقاً منظور خود را از "تنها با رفتن این رژیم" باز نمی کنند و توضیح نمی دهند که منظورشان از این "رفتن" چیست. اگر منظور سرنگونی رژیم باشد (که من تصور می کنم منظور این باشد)، این توضیح لازم است که به چه نحوی. آیا منظور ایشان از سرنگونی به هر شکل ممکن است (مثل آن چه که به سر صدام حسین آمد یا به صورت کودتا از طرف عناصر ارتجاعی رژیم پیشین و نظیر این ها) یا انقلاب؟ به نظر من در یک برخورد مترقی، هر انسان آزاده ای خواهان انقلاب خواهد بود. پس در این جا هم ما از سایر اشکال سرنگونی صرف نظر کرده و تنها به شکل انقلابی آن می پردازیم.

حال اگر هدف دوست عزیزم خانم امین را انقلاب فرض کنیم، بعد سؤال اساسی از نظر من این خواهد بود که آیا به عقیده ی ایشان با صرفاً یک انقلاب (که مهم نباشد چه طبقه ای روی کار می آید) کار تمام است و در پی آن دموکراسی لازم بر ایران حاکم خواهد شد؟ آیا به نظر ایشان این تنها حکومت

فعلی است که ارتجاعی و دیکتاتور است؟ در این صورت ما باید رژیم پیشین را مترقی دانسته و معتقد باشیم که در آن زمان دموکراسی بورژوایی (مانند آن چه که در کشورهای غربی وجود دارد) حاکم بوده و میلیون ها مردم که تن به انقلاب دادند، دلیلی برای این کار که باعث کشته شدن هزاران نفر گردید، نداشتند.

به نظر من، این طور نیست. به نظر من مردم ایران دقیقاً به خاطر وجود بحران اقتصادی و دیکتاتوری و اختناق ناشی از آن در آن زمان انقلاب کردند، به امید حل بحران اقتصادی و ایجاد جوی بازتر. اما از آن جایی که انقلاب فاقد رهبری مترقی طبقه ی کارگر بود، بورژوازی سنتی ایران با علم کردن خمینی و انگشت گذاشتن بر تعصبات مذهبی مردم، گوی رهبری را قاپید و با مشتی از قول و قرارهای خمینی، سوار بر انقلاب گردید. لذا ساده ترین درس انقلاب سال ۵۷ برای ما می تواند این باشد که اگر انقلابی صورت گیرد که در آن نیروهای مترقی و انقلابی به همراه پیشروی کارگری در میان طبقه ی کارگر و سایر اقشار ستمدیده در جامعه جا نداشته و در نتیجه پیش از انقلاب نتوانسته باشند رهبری طبیعی و مورد اعتماد طبقه ی کارگر را به عهده گیرند، بزرگ ترین انقلابات با افتادن حکومت به دست قشر دیگری از طبقه ی بورژوا به شکست کشیده خواهد شد.

بحث من به طور خلاصه این است که صرف رفتن این رژیم و روی کار آمدن رژیم دیگری (حال حتی اگر رژیم سوسیال دموکرات ترین جریانات سیاسی در ایران هم باشد) از آن جایی که خصلت سرمایه داری دارد، بخصوص در این برهه از دوران نظام سرمایه داری (یعنی گلوبالیزم) قادر نخواهد بود به خواست های دموکراتیک مردم ایران تن در دهد. به عبارت

دیگر هر رژیم بورژوازی دیگری که به قدرت برسد، بهتر از رژیم پهلوی نخواهد شد. اگر آن رژیم نتوانست به مطالبات دموکراتیک توده‌ی مردم جواب مثبت دهد، مطمئناً رژیم کراواتی بعدی نیز نخواهد توانست. دلیل آن هم نه در ماهیت این حکومت بورژوازی یا آن حکومت بورژوازی است که در خصلت نظام سرمایه داری کشورهای عقب نگهداشته شده‌ای مانند ایران در رابطه با سرمایه‌ی جهانی و امپریالیزم است. در کشورهایمانند ایران هرگونه گشایش دموکراتیکی (به علت شدت بسیار زیاد خفقان) منجر به مطالبات بعدی و بعدی... شده و نهایتاً به شورش و قیام می‌انجامد. رژیم‌های سرمایه‌داری در کشورهایمانند ایران، برای حفظ خود مجبوراً که دائماً از سرکوب و اختناق بهره‌بگیرند. در غیر این صورت دوام نخواهند آورد.

از این رو و با توجه به تجربه‌ی انقلاب ۵۷ من فکر می‌کنم که طبقه‌ی کارگر و کلیه‌ی اقشار تحت ستم (زنان، جوانان، اقلیت‌های ملی و مذهبی و طبقه‌ی کارگر) نمی‌باید اشتباه گذشته را بار دیگر تکرار کرده و صرفاً در پی سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی باشند، بلکه این بار وقت آن رسیده که نیروهای مترقی و توده‌ی ستمدیده ایران پیش از هر چیز تحلیلی اصولی و صحیح از شکست انقلاب ۵۷ داشته و به این ترتیب از تکرار اشتباهات آن زمان جلوگیری کنند.

در این مقطع از مبارزات طبقه‌ی کارگر و کلیه‌ی اقشار تحت ستم ایران، تمام نیروهای انقلابی و مترقی ما می‌باید به این نتیجه رسیده باشند که تنها انقلابی که می‌تواند در پی خود آن دموکراسی‌ای را به دنبال داشته باشد که کلیه‌ی اقشار تحت ستم جامعه‌ی ما خواهانش هستند، انقلابی است که در آن نه تنها رژیم کنونی سرنگون می‌گردد که کل نظام سرمایه داری مورد حمله

قرار گرفته و از جامعه رخت برکنند. مادامی که ریشه و بن روابط اجتماعی مبتنی بر تولید و توزیع بر پایه ی مالکیت خصوصی (یعنی سرمایه داری باشد)، ستم انسان بر انسان از بین نخواهد رفت و تا زمانی که بنیان این روابط بر نابرابری و ستم طبقاتی استوار باشد، حقوق ابتدایی و پیش پا افتاده ای از قبیل حق بیان، حق تجمع، حق سازماندهی، حق اعتراض و اعتصاب، برابری حقوق زن و مرد در مقابل قانون و نظیر این ها که از انکارناپذیرترین حقوق انسانی هر فرد در اجتماع است، هم وجود نخواهد داشت.

در علم روانشناسی کودک (در همین نظام سرمایه داری) آمده که اگر نسبت به کودک خود خشونت به خرج دهی و حقوق انسانی او را زیر پا بگذاری، به احتمال قوی او هم از همان کودکی اقدام به تجاوز به حقوق سایر کودکان هم سن و سال خود کرده و هر چه بزرگ تر می شود، انحرافات اخلاقی اش در اجتماع، نسبت به حقوق دیگران بیش تر بروز می کند. این در مورد آموزش های فرهنگ بورژوایی که در درون خود نابرابری انسان ها را پرورش می دهد (و در نتیجه پدیده های نژادپرستی و ملی گرایی را ایجاد می کند)، نابرابری جنسی را هم به عنوان یکی از سلاح های ستم، تبلیغ و ترویج می کند. کودک مذکری که در چنین جو خانواده، مدرسه، دوستان، رادیو و تلویزیون در حال رشد و فراگیری است، درست همان آسیبی را می بیند که کودکی که به حقوق انسانی اش تجاوز شده و در حقیقت این کودک دارای یک محیط سالم رشد نیست؛ بدون این که بداند چرا بر خواهر خود برتری دارد و با او توهین آمیز صحبت می کند و به او با نگاه نابرابر می نگرند. درست مثل کودکی که اگر به خاطر اشتباهاتش با هر اعتراضی که

به او می‌کنی، یک کلمه دشنام آمیز هم بکاربری، کودک کم‌کم در مقابل این خورد شدن شخصیتش به جای ناراحت شدن، خود نیز شروع به استفاده همین الفاظ می‌کند. کودک مذکری را که به کذب به او موقعیت بالاتر از خواهرش بدهی، او هم می‌آموزد که به جای ایستادگی در مقابل این نابرابری (که چون کذب است در واقع نوعی توهین به شخصیت کودک مذکر هم می‌باشد) خود این ستم را به کار گیرد. لذا در جامعه‌ای که ستم انسان بر انسان از هر گوشه و زاویه اش می‌بارد، انسان را از حالت آزاد و سالمش خارج کرده و بدون داشتن دلیل، از او یک ستمگر می‌سازد، به حدی که ستمگری جزو وجودش می‌شود و خودش حتی از آن بی‌خبر است.

پس برای برچیدن این ستم باید اول زمینه‌ی رشد آن را خشکانید.

به نظر من خانم امین با توجه به انکار بحث بالا است که بحث خود را به لفظ "تنها با رفتن این رژیم" خاتمه داده‌اند. ایشان نیز اگر مانند برخی فمینیست‌ها معتقد باشند که ستم جنسی ارتباطی به ساختار اقتصادی جامعه ندارد، آن وقت ممکن است بگویند که در کشورهای صنعتی غربی که نظام سرمایه‌داری به کامل‌ترین شکل خود حاکم است، پس چرا حقوق دموکراتیک زنان رعایت شده و ستم جنسی وجود ندارد؟

در جواب چنین بحث احتمالی (البته شاید ایشان این بحث را نداشته باشند. من صرفاً در صورت احتمال وجود این بحث جواب را مطرح می‌کنم)، من در زیر به بخش‌هایی از دو سند رسمی از وضعیت زنان در کشورهای اروپایی اشاره می‌کنم.

سند اول: "EU" (اتحاد اروپا) در رابطه با برابر بین زن و مرد

گزارش در مورد برابری زن و مرد در سال ۲۰۰۵
کمیسیون اروپا دومین گزارش سالیانه خود را در مورد پیشرفت هایی در
وضعیت برابری زنان و مردان در زمینه ی تحصیل، استخدام و زندگی
اجتماعی به شورای اروپا تقدیم می دارد. این هدف نیاز به پیشرفت بسیار و
چالش های سیاسی و کار بر روی تشویق برابری زنان و مردان به ویژه در
میان مردان و زنان مهاجر دارد.
گزارش از کمیسیون به شورا، به پارلمان اروپا، به کمیته اقتصادی و
اجتماعی اروپا و کمیته مناطق ۱۴ فوریه ۲۰۰۵ "گزارش در مورد برابری زن
و مرد در سال ۲۰۰۵" (در نشریه رسمی به چاپ نرسیده است)

فاصله جنسی

کلاً فاصله جنسی کاهش یافته است، اما در زمینه ی دستمزدها همواره باقی
مانده است
در زمینه استخدام، بین سال های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ فاصله زن و مرد نیم درجه
کاهش یافته و به ۱۵/۸ درصد رسیده است. نرخ استخدام زنان در سال ۲۰۰۳
به ۵۵/۱ درصد رسید.
در زمینه بیکاری فاصله زن و مرد هم چنان باقی است. در سال ۲۰۰۴
بیکاری در میان زنان ۱۰ درصد و در میان مردان ۸/۳ درصد بوده است.
تناسب نسبی کار نیمه وقت در سال ۲۰۰۴، ۳۰/۴ درصد برای زنان به ۶/۶
درصد برای مردان بوده است. این فاصله هر ساله تمایل به بیش تر شدن دارد.
شاغل بودن و زندگی خانوادگی داشتن همواره یک چالش اصلی بوده است.
برای زنانی که کودکان خردسال دارند، هنوز هم میزان اشتغال ۱۳/۶ واحد

پایین تر از زنانی است که فرزند ندارند. از طرف دیگر میزان اشتغال مردانی که فرزندان خردسال دارند، ۱۰ واحد بالاتر از مردانی است که فرزند ندارند. علت وجود این رقم ها را می توان در محدود بودن ساختار امکانات نگهداری از کودکان و ساختار استریوتایپ و سکسیست بودن خانواده دانست که زنان را موظف به گرفتن کل مسئولیت خانواده و کودکان می کند.

فاصله دستمزد زنان و مردان هیچ تغییری قابل ملاحظه ای نکرده و در اتحاد اروپا در سال ۲۰۰۴ همواره همان ۱۵ درصد باقی ماند.

زنان مسن بیش تر با فقر دست به گریبان هستند تا مردان مسن. والدین مجرد بیش تر در معرض وضع نامساعد چندگانه هستند و آن ها هستند که به ویژه در جامعه منزوی می شوند.

در رابطه با طرح بازنشستگی که از یک کشور به کشور دیگر بسیار متفاوت است، مزایای زنان بسیار کم تر از مردان است به خاطر حضور محدود آن ها در بازار کار (کارهای نیمه وقت، مرخص های طولانی به خاطر کودکان). اما در بعضی کشورها تغییراتی در این رابطه در حال وقوع است و می خواهند به دوران نگهداری از کودکان یا نگهداری از عضو خانواده یا عضو معلول در خانواده مزایای بازنشستگی مقرر دارند.

سند دوم: کتابخانه حقوق بشر

کمیته حذف تبعیض بر علیه زنان، نظارت های نهایی: آلمان سال ۲۰۰۰ بند ۲۸۷. کمیته به گزارش مشترک فصل دوم و سوم و گزارش فصل چهارم آلمان در جلسات چهارصد و شصت و چهارمین و چهارصد و شصت و پنجمین خود در اول فوریه ۲۰۰۰ رسیدگی کرد.

مقدمه حزب دولتی

نماینده آلمان در ابتدای گزارش یادآور شد که تغییراتی که در سپتامبر ۱۹۹۸ در دولت به وجود آمد به قدماتی در زمینه ی تساوی حقوق کشیده است. ده سال از اتحاد دو آلمان و از آخرین باری که در باره این کشور گزارشی داده شده بود گذشت و این اکنون امکان یک ارزیابی را از تساوی حقوق و تساوی امکانات در آلمان متحد فراهم آورده است. انتقال از سیستم اقتصادی و اجتماعی جمهوری دموکراتیک گذشته به سیستمی بر پایه ی دموکراسی پارلمانی، فئودالیزم و اقتصاد بازار سوسیال تغییرات دردناکی برای مردمی که در شرق [آلمان] زندگی می کردند بوده است. ...اغلب از این تغییرات به شدت آسیب دیدند...Laender زنان

این زنان که در گذشته از مزایای استخدام کامل برخوردار بودند...حالا در این ایالات با ۲۰/۷ درصد بیکاری مواجه گشته اند (که البته در حال کاهش است).

بند ۲۹۰. نماینده ی آلمان در ارائه بحث خود بر روی دو موضوع کلیدی در دولت جدید تکیه کرد. یکی زنان و برنامه اشتغال و دیگری مبارزه بر علیه خشونت [نسبت به زنان].....در حالی که زنان بهتر از هر زمان دیگری در گذشته تحصیل می کنند و ۴۲ درصد استخدام های سطح بالا و شغل های آزاد را به خود اختصاص داده اند، با این وجود هنوز از نابرابری در انجام کار خانه و محل آموزش شغل و اشتغال رنج می برند. دستمزدهای آن ها پایین تر از مردان است، ۹۰ درصد کارهای نیمه وقت به آن ها اختصاص دارد و اکثریت آن ها در چند زمینه شغلی که در رده پایین تر قرار دارد، متراکم اند.

بند ۲۹۲. نماینده ی آلمان با مطرح کردن نقشه ی عمل برای مبارزه با خشونت، گفت که اقدامات گذشته اگر چه از میزان خشونت کاسته، اما در جامعه ی آلمان نتوانسته با خشونت بر علیه زنان به طور واقعی و قاطع عمل کند. نقشه کنونی به عنوان عقیده ای همه مشمول که تمام مسئولین و "ان گ او" ای ها را به کار و اخواهد داشت، با خشونت بر علیه زنان مبارزه خواهد کرد؛ برنامه بر روی چند زمینه تمرکز داشت که شامل حفاظت با قصد به توجه ویژه نسبت به وضعیت زنان و دختران معلول، زنان مسن، زنان و دختران خارجی می شد. این قانون با توجه ویژه نسبت به بهبود بخشیدن قانونی شرایط حفاظت از زنانی که مورد خشونت خانگی قرار می گیرند، مبارزه با آزار جنسی در محل کار، خرید و فروش زنان؛ همکاری بین سازمان ها و پروژه های مختلف، با گروه های فعال برای کار روی خرید و فروش زنان و خشونت های خانگی: شبکه های سراسری در سطح کشور برای کمک رسانی، کار بر روی تجاوزگران.....

بند ۲۹۳. این نماینده ی توجه ویژه ای را نسبت به چند مورد که نیاز به رسیدگی مبرم دارد، جلب نمود. اولین بررسی کامل که کمیسیون انجام داده در زمینه ی سلامتی زنان آلمانی است.

بند ۲۹۴. به اجرا گذاشتن برنامه های دولت..... باعث بسط و عمق بخشیدن به تساوی واقعی میان زنان و مردان شده.....

اگر چه وضعیت جوامع صنعتی سرمایه داری به نسبت جوامع جهان سوم بهتر است (آن هم به خاطر این که امپریالیزم برای پیاده کردن دموکراسی بورژوازی، فشار را بر مردم جهان سوم می آورد)، اما نهایتاً دو مسأله اساسی پیش روی جامعه ما قرار دارد: یکی این که مرحله انقلاب بورژوازی که بتواند

دموکراسی بورژوازی آن جوامع را به ارمغان آورد، با روی کار آوردن رژیم دست نشانده سلطنتی رضاشاه به دست امپریالیزم به طور کلی از بین رفت و دیگر این که سوسیال دموکراسی به روایت نمایندگان خودش، با وجود در قدرت بودن مداوم لااقل بیش از نیم قرن، در هیچ کشور اروپایی هنوز نتوانسته تساوی حقوق واقعی را بین شهروندان خود، بدون توجه به جنسیت برقرار نماید. لذا اعتماد ناآگاهانه نسبت به نظام های سوسیال دموکرات و بدون بررسی زیربنایی مسائل واقعی موجود در این کشورها سهل انگاری است که نتیجه ی آن مبارزات رهایی بخش ا فشار تحت ستم جامعه ما را همواره به شکست یا در بهترین حالت به رکود می کشد؛ مبارزات زنان ما مجزا از این امر نیست.

اولین قدم تمام زنان مبارز و پیشرو ما در این مقطع می باید پاک کردن اذهان سایر زنان جامعه از تبلیغات کاذب بورژوازی اعم از تبلیغات رژیم جمهوری اسلامی و بورژوازی اصلاح طلب و سوسیال دموکرات باشد.

زنان جامعه ی ما بر اثر تبلیغات همه جانبه ی رژیم بر روی مسائل مذهبی، اکثراً در ضمیر ناخودآگاه خود مذهبی هستند؛ چه آن هایی که مدافع مذهب می باشند و چه آن هایی که در ظاهر مدعی آن نیستند. زنان ما اگر چه ممکن است در این مرحله از تاریخ این رژیم به آن آگاهی سیاسی و اجتماعی رسیده باشند که مخالف برخوردهای خشونت آمیز رژیم بوده و حتی خواهان سرنگونی اش باشند، ولی این الزاماً به این معنی نیست که آن ها رابطه بین نظام حاکم و پدیده مذهب را هم درک کرده و لذا از دیدگاه روشنی به مسائل خود و ستم جنسی حاکم بر جامعه می نگرند. در نتیجه این وظیفه ی کلیه ی زنان آگاه، مترقی و مبارز است که رابطه میان پدیده ای به نام مذهب را با آن

چه که به عنوان قوانین اسلامی در ایران حاکم است مطرح نموده و در بالا بردن سطح آگاهی سایر زنان بکوشند. هر چه آگاهی حقیقی زنان بالاتر رود از احساس کاذب مذهبی آن ها کاسته شده، شجاعت و شهامتشان در جهت مبارزه برای نابودی ستم جنسی بالا می رود.

بخش بعدی آگاهی رساندن به زنان ستمدیده ی جامعه امان این است که سطح آگاهی سیاسی آن ها را بالا برده و نگذاریم "آواز دهل شنیدن از دور" برایشان "خوش" باشد و آن ها را از سمت گیری به سوی مبارزه ای تاریخی باز دارد. باید سطح آگاهی زنان ایران را که از شدت خفقان حاکم جانشان به لب آمده، در جهتی سوق داد که نه خواهان برقراری نظام بورژوایی سوسیال دموکراسی که خواهان ریشه کن کردن هرگونه زمینه ی مادی برای برقراری نظام سرمایه داری بوده تا زمینه های ستم جنسی را در ریشه بخشکانند.

پس تنها با بالا بردن سطح آگاهی زنان در این دو زمینه است که می توان با خرافات دیکته شده ی کنونی و با تبلیغات کاذب سوسیال دموکراسی در جامعه مبارزه کرد و در عوض زنان را به سازماندهی خود و پیوستنشان به سایر اقشار تحت ستم تشویق نمود. سازماندهی زنان به آن ها کمک می کند تا ضمن بالا بردن سطح آگاهی حقیقی خود در مسائل نظری و تنوریک، از نزدیک با مشکلات روزمره ی یکدیگر آشنا شده و میان خود نه تنها اتحاد ایجاد نموده که در حرکت های مختلف مشترکاً عمل نمایند و بتوانند با مطرح کردن مسائشان به یافتن راه حل های مناسب و برنامه برای عملی سازی آن راه حل ها طرح نمایند. پیوندشان با مبارزات سایر اقشار تحت ستم، به ویژه مبارزات طبقه ی کارگر، تنها راه مقابله و مقاومت در برابر سرکوب رژیم است.

آگاهی زنان ما باید به آن حد برسد که نه تنها بخواهند به طور فعال در سرنگون کردن این رژیم دخالت داشته باشند، بلکه به طور فعال از روی کار آمدن هر جریان بورژوازی دیگر نیز ممانعت کرده و خواهان روی کار آوردن نظام سوسیالیستی ای باشند که در آن ستم انسان بر انسان جایی نداشته باشد. آن گاه حتی برای برقراری چنین نظامی باز هم خود نقش فعال داشته باشند. و بالاخره آگاهی زنان ما باید به جایی برسد که آگاهانه در تولید اجتماعی سهم شده و از مسائل سیاسی لحظه ای عقب نشینند. این تنها راه مبارزه ی اساسی با ستم جنسی است؛ حضور فعال در تولید اجتماعی و مسائل سیاسی متلاشی کننده ی هرگونه تبعیض جنسی و بهترین راه مبارزه با فرهنگ طبقاتی بورژوازی است.

سارا قاضی

۴ مه ۲۰۰۶

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴